شبکه‌های تماشا و نمایش ادغام می‌شوند

فرهیختگان| علی‌اصغر پورمحمدی، معاون سیما در جمع مدیران شبکه سه سیما از ادغام دو شبکه تماشا و نمایش حرف زده و آن را در راستای برنامه‌ریزی افزایش کیفیت در شبکه‌های سیما دانسته است. علی‌اصغر پورمحمدی گفته است: «با ادغام شبکه تماشا در شبکه نمایش فرصت حضور شبکه نسیم در گیرنده‌های دیجیتال که مورد درخواست مردم سراسر کشور است فراهم خواهد شد. با توجه به درخواست بینندگان سیما در دیگر نقاط کشور در آینده شبکه‌های جام‌جم که مخاطب برون‌مرزی دارند از گیرنده‌های دیجیتال حذف می‌شوند و شبکه افق جایگزین می‌شود.» معاون سیما خواسته است تا داوطلبانه برنامه‌های پرهزینه، کم‌اثر و کم‌بیننده را از جدول برنامه‌ها حذف و برای کوچک‌سازی شبکه نیز کارشناسی کنند.

گزارش

گزارش فرهیختگان از نشست مدیر کل اداره هنرهای نمایشی با رسانه‌ها

پنج جشنواره تئاتر ایرانی ثبت جهانی شدند

فرهیختگان| حسین طاهری، مدیر اداره کل هنرهای نمایشی بالاخره بعد از مدت‌ها تصمیم گرفت تا گزارشی از اقدام‌هایی که انجام داده را برای رسانه‌ها شرح دهد. بحث نشست خبری این مدیر هنری عضویت ایران در «ITI» بود که در دوره‌های قبلی حق عضویت ایران پرداخت نشده بود و این‌بار حق عضویت سه ساله پرداخت شده است. دفتر حسین طاهری محل نشست است. طاهری می‌گوید: «پرداخت نشدن حق عضویت در «ITI» منتج به این شد که عضویت ایران در این خانواده لغو شود. ما درخواست کردیم این حق عضویت را در کنگره ارمنستان پرداخت کنیم که پذیرفته شد.» طاهری می‌گوید دولت جدید علاقه‌مند است تا دیپلماسی فعال در زمینه هنری ایجاد شود و عضویت در «ITI» یکی از این راه‌هاست. او می‌گوید «ITI» مرکز مناسبی است که می‌تواند تئاتر جهانی را با تئاتر داخلی پیوند بزند. حسین طاهری در این نشست گفت در این سفر دستاوردهای خوبی برای تئاتر ایران به همراه داشته‌اند. در این سفر پس از پرداخت حق عضویت ثبت جهانی جشنواره‌های ایران نیز در دستور کار قرار گرفته که بر این اساس پنج جشنواره ایران در تقویم جهانی «ITI» جای گرفتند. جشنواره‌هایی که ثبت جهانی شده‌اند عبارتند از جشنواره تئاتر فجر، کودک و نوجوان همدان، آیینی و سنتی، عروسکی و خیابانی مریوان. بر این اساس ایران در جایگاه دوم کشورهایی قرار می‌گیرد که بیشترین جشنواره تئاتر ثبت‌شده را دارند. نخستین کشور ایتالیاست که ۱۳ جشنواره را مدیریت می‌کند و بعد ایران و پس از آن دانمارک قرار دارد. در این سفر هیات ایرانی، پیشنهاد تاسیس رادیو و تلویزیون جهانی نمایش با توجه به تجربه تاسیس رادیو نمایش در ایران مطرح شده که مورد استقبال قرار گرفته است. در کنار اینها مدیریت بخش آسیای مرکزی نیز در این سفر به ایران واگذار شده است. حسین طاهری که در مدت مدیریتش ارتباط خوبی با رسانه‌ها نداشته این‌بار تصمیم گرفته بود بالاخره گزارشی از اقدامات انجام‌شده در حوزه «ITI» به خبرنگاران بدهد. اما طاهری باز هم در مقابل سوال خبرنگاران مبنی‌بر مدیریت داخلی پاسخ نداد و همچنان مشکلات تئاتر ایران را به اقتصاد تئاتر و کمبود بودجه پیوند داد.

سلام کتاب - ۱۷۰

ماتریس روابط مبتذل

کاوه فولادی‌نسب
داستان‌نویس

دون کورلئونه اگر می‌توانست از پنجره اتاقش نگاهی به بیرون بیندازد، بعد بیاید بنشیند پشت میزش، با چهار انگشت روی آن ضرب بگیرد و پس از سکوتی طولانی بگوید «بهش پیشنهادی می‌دم که نتونه ردش کنه»، دلیلش این بود که هم قدرت داشت، هم ثروت. این‌طوری‌ها بود که رئیس مافیا بود. مافیا انباشت قدرت و ثروت نامشروعی است که بخواهد و بتواند فراتر از قانون رفتار کند. حالا فرض کنیم که از مافیا قدرت و ثروتش گرفته شود، شهرت هم –که عرضی بر این‌هاست– گرفته شود، چی می‌ماند ازش؟ شیری بی‌یال و دم و اشکم. کاریکاتوری که اسمش هر چیزی باشد، مافیا نیست. داستان مافیای ادبی ایران، داستان همین شیر بی‌یال و دم و اشکم است: توهم تصمیم‌گیرنده و تاثیرگذار بودن گروهی که اصلا وجود خارجی ندارد یا اگر هم داشته باشد، کاریکاتوری از آن چیزی است که واقعا از نامش برمی‌آید. ناکامی برای یک آدم حرفه‌ای امری بسیار طبیعی است؛ آنقدر طبیعی و بدیهی که کامیابی. اما در ایران – به‌طور سنتی– همیشه عده‌ای وجود داشته‌اند که ناکامی‌های بزرگ و کوچک، مهم و غیرمهم و واقعی و خیالی‌ای را که در فعالیت ادبی برای‌شان پیش می‌آمده، به مافیایی نسبت می‌داده‌اند که مثل بختک افتاده بوده روی ادبیات ایران و راه را برای هر صدای تازه ارزشمندی –که معمولا هم منظورشان خودشان بوده– می‌بسته است. این عده امروز و هنوز هم وجود دارند و توی میهمانی‌های خصوصی، جلسه‌های عمومی، شبکه‌های اجتماعی و تازگی‌ها حتی توی روزنامه‌ها زیاد صحبت از مافیای ادبی می‌کنند. و این آخری البته شکلی مضحک پیدا می‌کند؛ نویسنده توی یادداشتش می‌گوید «مافیای ادبی حوزه نشر و فضای روزنامه‌ها و مجله‌ها و حتی وب‌سایت‌های ادبی را قبضه کرده و راه را برای شنیده شدن هر صدای تازه‌ای بسته و اجازه انتشار اندیشه‌های دیگر را نمی‌دهد» و خودش هم دارد همه اینها را توی روزنامه‌ای، مجله‌ای یا وب‌سایت معتبری منتشر می‌کند. و اگر برگردد به شبکه استدلالی ممکن است ناگهان دریابد که خودش هم جزئی از مافیای ادبی است. البته همین آسیب است که دم خروس واقعی را نشان می‌دهد. ممکن است کسی دلش می‌خواسته با فلان ناشر یا فلان روزنامه یا فلان مجله همکاری کند، به هر دلیلی –که یکی از دلایل هم کیفیت است به‌هرحال– نتوانسته یا نشده و حالا دارد با ناشر، روزنامه یا مجله دیگری همکاری می‌کند و ترجیح می‌دهد برای آرام کردن خودش آن ناشر، روزنامه یا مجله‌ای را که کارش را رد کرده، جزئی از مافیایی فرضی بداند، بی‌که به این فکر کند که یک گروه مافیایی –اگر وجود داشته باشد– چرا باید جلوی ورود یک تازه‌کار را بگیرد؟ تازه آن هم با در نظر گرفتن اینکه مافیا یک گروه است و در سطوح مختلف پرسنل لازم دارد و اصولا تازه‌کارها را راحت‌تر می‌شود جذب کرد تا کهنه‌کارها... اینکه در ادبیات ایران رابطه‌بازی و رفیق‌بازی وجود دارد، شکی تویش نیست. کافی است کسی حوصله کند و یک سال نقدهای ادبی را بخواند و روی کاغذی اسم منتقدها و نویسنده‌های کتاب‌ها را بنویسد. بعد بیاید اینها را توی جدولی وارد کند. من این حوصله را داشته‌ام. این جدول را درست کرده‌ام و وقتی دنبال اسمی برایش می‌گشتم، چیزی بهتر از این پیدا نکردم: «ماتریس روابط مبتذل ادبی». بعدا درباره این ماتریس، مفصل خواهم نوشت و البته تاکید هم می‌کنم که این لکه‌ای نیست که روی دامن همه نویسنده‌ها و منتقدهای ادبی نشسته باشد. اما حقیقت امر این است که این ماتریس خاستگاه دیگری دارد و هیچ ربطی هم به مافیای ناموجود ادبی ایران ندارد. راستی حیف واژه بزرگ مافیا نیست که به هر تیم و دار و دسته کوچکی اطلاق شود؟

گفت‌وگو با محسن کیایی، بازیگر نقش براتعلی در سریال «پرده‌نشین»

اتفاق ناخواسته

محسن کیایی و ویشکا آسایش در نمایی از سریال «پرده‌نشین»

مهربانو ابدی‌دوست | بازی یک فارغ‌التحصیل رشته بازیگری دانشگاه آزاد اسلامی یکی از شیرینی‌های سریال «پرده‌نشین» است. زندگی روحانیون دستمایه این سریال قرار گرفته است که این شب‌ها از شبکه یک سیما پخش می‌شود و با کارگردانی بهروز شعیبی و بازی‌های فرهاد آییش، ویشکا آسایش، مهران رجبی، محسن کیایی و تعدادی دیگر یک بار دیگر مخاطبان تلویزیونی را سرگرم کرده است. محسن کیایی در این میان بازیگری است که بازی دلنشینی دارد و قبل‌تر از او در فیلم‌های سینمایی «ضدگلوله» و «خط ویژه» بازی‌های خوبی دیده‌ایم. کیایی فیلمنامه‌نویس هم هست و در فیلمنامه‌های برادرش مصطفی کیایی نقش موثری دارد. او یکی از فیلمنامه‌نویسان سریال «آژانس دوستی» هم بوده است. با کیایی به بهانه بازی‌اش در سریال «پرده‌نشین» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

به گمانم خودتان هم دوست دارید اول از فیلمنامه نویسی تان حرف بزنید. در حال حاضر چه فیلمنامه‌ای را در دست نوشتن دارید یا فیلمنامه‌هایتان در چه مرحله‌ای هستند؟ فیلمنامه‌ای را که برای تلویزیون نوشته‌اید، قضیه‌اش چیست؟

«مارادونا را ول کن منو بگیر» را برای شبکه تهران نوشته‌ام. کار ۲۵ قسمتی کمدی در مورد فوتبال است که مدتی است در گروه اجتماعی شبکه تهران منتظر به وجود آمدن شرایط ساخت مخصوصا بودجه است.

شما جسته و گریخته در بعضی از کارها بازی هم می‌کنید. در حال حاضر هم در سریال «پرده‌نشین» به کارگردانی بهروز شعیبی بازی می‌کنید، می‌خواهیم بدانیم که بازیگری چه بخشی از خواسته‌های شما را در کارهای هنری برآورده می‌کند؟

دغدغه اصلی من بازیگری است به خاطر اینکه رشته تحصیلی‌ام بازیگری است. مدتی در تئاتر کار کردم، ولی خب خیلی اهل بازیگری نیستم. بعد از بازی در «ضدگلوله» و «خط ویژه» پیشنهادهای زیادی برای بازی در سینما و تلویزیون داشتم، ولی همه را رد کردم. چون دوست دارم در جایی و زمانی بازی کنم که نقشم را دوست داشته باشم و علاقه‌مند هم نیستم سریع به شهرت برسم، دوست دارم کارم را درست انجام بدهم و برای بازیگری ارزش قائلم. به خاطر همین هم دست و پا شکسته و آرام‌آرام کار می‌کنم و در کنارش کار نویسندگی هم انجام می‌دهم.

«براتعلی» در سریال «پرده‌نشین» چه ویژگی‌هایی دارد که شما پذیرفتید این نقش را بازی کنید؟

در ابتدا شعیبی و دوستان نقش دیگری را در مجموعه به من پیشنهاد دادند که خوب نوشته شده بود و نقش‌های جوانش از نظر اندازه هم بیشتر از نقش براتعلی بود، ولی من وقتی طرح اولیه را می‌خواندم، کاراکتر براتعلی به نظرم جذاب‌تر آمد به خاطر اینکه آن موتیف عاشقانه و فضای عاشقانه بر دوش کاراکتر براتعلی است و تا اینجا که شما دیدید حتما متوجه شده‌اید که براتعلی دچار شکی می‌شود که این شک و اتفاقاتی که برای این کاراکتر می‌افتد برایم جذاب بود. به‌خاطر همین موضوع ترجیح دادم کاراکتر براتعلی را انتخاب کنم.

در بازی‌ها و دیالوگ گفتن‌تان یک مقدار لحن شیرینی هست که مخاطب با آن می‌خندد، در واقع بازی شما یک تم طنز دارد. این تم ناشی از روحیه خود شماست؟

ناخواسته این اتفاق می‌افتد، جدی‌ترین نقش‌هایی که بازی می‌کنم، از خطی رد می‌شود که این خط بین تلخی و شیرینی قرار دارد. نمی‌دانم این بدی یا خوبی است، ولی این اتفاق برای کاراکتر من می‌افتد، نقش من کاراکتر جدی‌ای بود. وقتی من بازی‌اش کردم و با صحبت‌هایی که با شعیبی کردم تبدیل شد به کاراکتری که یک مقدار شیرین است. در کارهای دیگر هم این اتفاق افتاده است؛ در خط ویژه کاراکتر منوچهر خیلی جدی بود، ولی بعد تبدیل شد به کاراکتری که شیرین است. در صورتی که شیرینی ماجرا بر دوش کاوه بود که نقشش را هومن سیدی بازی کرد، ولی وقتی من آنجا نقش منوچهر را بازی کردم، منوچهر هم نسبت به کاراکترهای دیگر شیرین شد. نمی‌دانم این از کجا می‌آید، ولی این موضوع را خیلی‌ها به من گفته‌اند که در مرز جدی و شوخی بودن در آمده است. حالا نمی‌دانم به خاطر بازی‌ام بوده یا شخصیت خودم است، خودم بدم نمی‌آید و این موضوع را دوست دارم.

البته بی‌شک گریم‌تان هم در سریال «پرده‌نشین» بر این موضوع بی‌تاثیر نیست

براتعلی کاراکتر طلبه‌ای بوده و این نوع لباس و ریش و مو خاص آن قشر از آدم‌هاست که وجود داشته. شاید آن ریش و مو یک مقدار براتعلی را جدی کرده، در صورتی که مدل بازی من و موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرم کمی کمدی است و این تضاد ظاهر و اتفاقاتی که به وجود می‌آید، شاید تا حدودی شیرینی‌اش را زیاد کرده است.

شما خودتان فیلمنامه‌نویس هستید، با این حال چقدر تابع فیلمنامه بودید. آیا نظر و پیشنهادی هم در مورد نقش‌تان به شعیبی دادید؟

کلا شخصیتم این شکلی است که کاملا وامدار فیلمنامه‌نویس، کارگردان و اتفاقاتی هستم که آنجا می‌افتد؛ یعنی من کلا آدمی هستم که وقتی قبول می‌کنم کاری را بازی کنم، خودم را کامل به کارگردان می‌سپرم. چون من به هر حال با برادرم کار کردم او مرا می‌شناسد و چون من هم ایشان را می‌شناسم و کاملا به او اعتماد دارم هر چیزی را که می‌گوید، می‌پذیرم و تلاش می‌کنم که بازی کنم. البته همیشه خودم هم نظرهایی دارم به هر حال نمی‌شود نظری نداشت و من سعی می‌کنم در راستای کار چیزی که احساس می‌کنم به کاراکتر یا فضا کمک می‌کند را انجام دهم. من به شعیبی اعتماد کردم و هر چیزی که می‌گفت گوش کردم. من فکر می‌کنم این هوش بازیگر را می‌رساند که خودش را به کارگردان بسپارد، چون آن از بیرون تو را تماشا می‌کند و فکر می‌کنم که راحت‌تر تو را نسبت به کار قبلی متفاوت کند. به هر حال بازیگر در راستای کار نظرهایی دارد که اگر درست باشد کارگردان هم قبول می‌کند.

تا چه اندازه سریال «پرده‌نشین» را سریالی در مورد روحانیت می‌دانید؟

سریال «پرده‌نشین» بیشتر از اینکه درباره روحانیت باشد یک فضای اجتماعی، اسلامی، دینی و ایرانی دارد. یعنی نگاهی دارد به زندگی دینی اسلامی حتی در انتخاب لوکیشن‌ها، نوع رفتار کاراکترها، مدل زندگی، احترام به بزرگ‌ترها و مدل رفتاری که کاراکترها نسبت به هم دارند. یک سوی ماجرا هم روحانیت است؛ روحانیت قشری است که در جامعه وجود دارد و زندگی می‌کند و جذابیتی که برای تماشاگر دارد، این است که هیچ‌گاه با این همه ریزبینی و با جزئیات در تلویزیون به زندگی این نوع از آدم‌ها نپرداخته‌بودند.

با حساسیت‌های موجود برای بازی در حوزه روحانیت هم روبه‌رو شدید؟

زمانی که قرار شد من این کاراکتر را بازی کنم مطالعاتی را انجام دادم و یک روز به حوزه علمیه قم رفتم و با این آدم‌ها زندگی کردم و ما به ازای بیرونی‌شان را دیدم و اصلا نمی‌گویم که من کسی را بازی کرده‌ام. من تلاش کردم کلیت این قشر را بشناسم و وقتی بشناسید قضیه راحت‌تر می‌شود. من فکر می‌کنم براتعلی وجود خارجی ندارد و تلاش کردم با شناختی که از این قشر دارم براتعلی را بسازم و بازی کنم.

«پرده‌نشین» اولین کار شعیبی در مقام کارگردانی است. با توجه به حساسیت‌هایی که شما دارید جدا از فیلمنامه چه اتفاقی افتاده است که این همه بازیگر بنام با او در این سریال همکاری دارند؟

شعیبی جوان خوش‌آتیه‌ای است. سال‌ها دستیاری کرده و آدم کار بلدی است. از نظر اخلاقی آدم بسیار درستی است که این از همه مهم‌تر است و خیلی هم آرامش دارد و بازیگر در آرامش می‌تواند کار کند. می‌بینید که چقدر بازیگران بنامی در این سریال بازی می‌کنند و نتیجه خوبی هم دارد و بازی‌های خوبی هم در این کار می‌بینیم. این اتفاق سال‌هاست که در تلویزیون پیش نیامده بود، چون خودشان را سپرده‌اند به کارگردان کار بلدی که می‌داند کارش را چطور انجام دهد.

شنیدیم در سینمایی «عصر یخبندان» هم بازی می‌کنید.

«عصر یخبندان» فیلم اجتماعی است با شیوه روایی جدید که در سینمای ایران کم داشته‌ایم. سه کاراکتر مرد اصلی دارد که این سه کاراکتر اصلی را فرهاد اصلانی و من و بهرام رادان بازی می‌کنیم. کاراکتر من کاراکتری است که از دل اجتماع بیرون آمده است. خصوصیات خاص خودش را دارد و یکسری قوانین برای خودش درست کرده و با آنها در حال زندگی است. تقریبا ۶۰ درصد کار فیلمبرداری شده است و برای جشنواره آماده می‌شود. نویسنده و کارگردان مصطفی است من فقط بازی می‌کنم.

خبرچین

ناگفته‌های شجاع نوری از فیلم «روز واقعه»

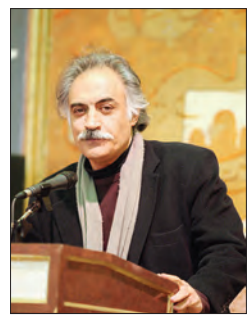

فرهیختگان| علیرضا شجاع‌نوری شنبه هشتم آذر به برج میلاد تهران رفت تا در نشست نقد و بررسی فیلم «روز واقعه» از ناگفته‌های شنیدنی زمان تولید آن بگوید و حقایقی را درباره هدیه تهرانی، بهرام بیضایی و اسبی که از ترکمنستان به هاشمی‌رفسنجانی اهدا شده بود، بازگو کند. شجاع‌نوری از هزینه ۱۵ میلیونی فیلم گفت که آن زمان مبلغ زیادی بود و نقش عبدالله که بعد از تست ۴۰ نفر به او رسید. از بازیگر نقش راحله هم گفت که هدیه تهرانی از بازی کردن آن انصراف داد تا نقش به لادن مستوفی برسد. شجاع‌نوری آن بخش‌هایی از فیلمنامه بهرام بیضایی را که در فیلم نیامده است، به سبب نبود امکانات دانسته و آن را با سانسور فیلمنامه مرتبط ندانست. به این نکته هم اشاره کرد که بیضایی خودش می‌خواسته این فیلم را با نقش اصلی یک زن بسازد و نه یک مرد. بازیگر نقش عبدالله فیلم «روز واقعه» درباره اسب معروف در این فیلم نیز گفت: «در فیلم روز واقعه اسبی که برای نقش اصلی انتخاب شده بود اسبی بود که از ترکمنستان به هاشمی‌رفسنجانی هدیه داده بودند و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی نیز اسب را به این فیلم اختصاص داده و قرار بود یک نفر این اسب را آموزش دهد. این اسب بسیار اصیل بود اما مخصوص فیلم‌های سینمایی نبود بلکه اسب مسابقات اسب‌دوانی (کورس اسب‌دوانی) بود. روزی سوار این اسب شدم و در حین بازی اسب من را بلند کرد و از ارتفاعی نزدیک به دو طبقه ساختمان به زمین زد به‌گونه‌ای که دنده‌های من شکست و فیلمبرداری متوقف شد، بعدها این اسب را از فیلم خارج و اسب دیگری را جایگزین کردند.»

سینما

جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره ماردلپلاتا در دستان نگار جواهریان

جایزه‌های جهانی یک فیلم در ۲۴ ساعت

فرهیختگان| بعضی‌ها هم هستند که اقبال به آنها رومی‌کند و در طول ۲۴ ساعت کلی افتخارات کسب می‌کنند. نمونه‌اش همین فیلم «ملبورن» ساخته نیما جاویدی است که در همین زمانی که عرض کردیم چهار جایزه معتبر را از دو جشنواره فیلم «گیخون» و «ماردلپلاتا» دریافت کرده است. پنجاه‌ودومین جشنواره فیلم گیخون در کشور اسپانیا برگزار شد که جایزه بهترین کارگردانی، جایزه بهترین فیلمنامه و جایزه بهترین فیلم هیات داوری جوانان را به این فیلم اعطا کرد و در بیست‌ونهمین جشنواره فیلم ماردلپلاتا نیز که از قدیمی‌ترین جشنواره‌های الف جهانی است و در آرژانتین برگزار می‌شود، جایزه آستور نقره‌ای بهترین بازیگر زن به نگار جواهریان رسید که در فیلم «ملبورن» بازی می‌کند. این‌طور که از جایزه‌های این فیلم بر می‌آید قرار است افتخاراتش را تکمیل کند. «ملبورن» اولین حضور بین‌المللی‌اش را در افتتاحیه بخش هفته منتقدین جشنواره فیلم ونیز تجربه کرد و پس از حضور در جشنواره‌های معتبر زوریخ و توکیو، جایزه بهترین فیلمنامه و تقدیرنامه ویژه فیلمبرداری را از بیست‌وپنجمین جشنواره فیلم استکهلم و جایزه هرم طلایی بهترین فیلم را از سی‌وششمین جشنواره فیلم قاهره دریافت کرد.

کافه کتاب

اندازه‌ی دیگری

نویسنده: مرتضی زارعی
ناشر: نشر روزنه

فرهیختگان| مرتضی زارعی از معدود شاعرانی است که داستان هم خوب می‌نویسد. او که پیش از این مجموعه شعر «دست‌هایی که لمس می‌کنند» را منتشر کرده بود، این بار با مجموعه داستان کوتاهش «اندازه دیگری» در نشر روزنه نشان داده است که دغدغه‌های نو و بکری در داستان‌نویسی دارد که بخشی از این دغدغه از توجه او به زبان ناشی می‌شود و بخشی دیگر در فرم که این دو مولفه مهم دست به دست هم می‌دهند و داستان‌های کوتاه او را خواندنی‌تر می‌کنند. او در تجربی‌ترین داستان‌های این مجموعه نیز به‌شدت تلاش دارد تا داستان‌گو باشد. «بوی سوپ عمه گلی» یکی از ناب‌ترین داستان‌های این مجموعه است که مضمونی کهنه را به‌شدت زنده و خواندنی کرده است.

چهره‌ها

سینما

رضا داودنژاد

فرهیختگان| رضا داودنژاد باز هم برای مشکلات بیماری‌اش به آی‌سی‌یو رفت. غزل بدیعی همسرش می‌گوید که وضعیت رضا پس از دو عمل جراحی که پنجشنبه انجام شده رضایت‌بخش است و در حال حاضر در بخش مراقبت‌های بیشتر است و ممنوع‌الملاقات شده است. داودنژاد گفته امیدوار است بعد از این عمل آمادگی کارکردن پیدا کند.

موسیقی

غلام کویتی‌پور

فرهیختگان| غلام کویتی‌پور یکی از صداهای جاودان دفاع مقدس است و خودش را با آهنگی که برای شهید جهان‌آرا و فتح خرمشهر خواند، در یادها جاودانه کرد. او قرار بود در روزهای ۱۳ و ۱۴ آذر در سالن همایش‌های برج میلاد نخستین کنسرتش را برگزار کند که انگار بخت با مخاطبانش یار نبود و این کنسرت لغو شده است.

ادبیات

ابوتراب خسروی

فرهیختگان| امسال جایزه جلال آل‌احمد روند متفاوتی در پیش گرفت و ابوتراب خسروی هم توانست در بخش رمان و با کتاب «ملکان عذاب» گران‌ترین جایزه ادبی کشور را به دست آورد. حالا این همشهری‌های شیرازی او هستند که قرار است برای این نویسنده شاخص ادبیات داستانی بزرگداشت برگزار کنند. این مراسم ۱۱ آذرماه در سالن مهر تالار حافظ شیراز برگزار می‌شود.